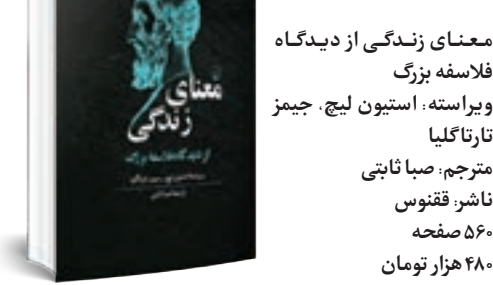


### آنچه فلاسفه بزرگ درباره معنای زندگی گفته اند

آنچه از حوزه فلسفه انتظار می رود پاسخ به سؤالات بنیادین بشر و از جمله مهم ترین آن ها، «معنای زندگی» است. طرح این پرسش در قالب عبارت معنای زندگی در طول قرن نوزدهم عمومیت یافت. چنان که واضح است بشر امروزی، بیش از پیش، به دنبال پاسخ این پرسش ها نه صرفا در متون دینی که در کشفیات اهل اندیشه است.کتاب «معنای زندگی از دیدگاه فلاسفه بزرگ» تلاشی است در راستای باز کردن دریچه هایی به سوی معنای حقیقی زندگی بشر.این کتاب طی فراخوانی برای نویسندگان حوزه فلسفه، نظرات مسوط ۳۵ فیلسوف بزرگ در این باره را در قالب مقالاتی گردآوری کرده است که هر کدام یک فصل را به خود اختصاص می دهد. نتیجه این کار منبعی است از گزاره های فهم پذیر درباره معنای زندگی از دیدگاه گروه طیف وسیعی از خوانندگان عام یا دانشجویان حوزه فلسفه و اخلاق. در پشت جلد کتاب به نقل از جولیان یانگ، فیلسوف معاصر و نویسنده کتاب های فلسفی نیز آمده است: «کتاب معنای زندگی از دیدگاه فلاسفه بزرگ روایتگر تلفی فیلسوفان و حکما و فرزانگان قدیم و جدید از مسئله «معنای زندگی» است. مسئله معنای زندگی با این عنوان از اوایل قرن نوزدهم و با آثار متفکران رمانتیک متولد شد و تا به امروز تأملات بسیاری در حوزه های فلسفه و الهیات و دین پژوهی برانگیخته است. نویسندگان این کتاب آرای ۳۵ فیلسوف و حکیم برجسته تاریخ را درباب معنای زندگی شرح می دهند. یکی از ویژگی های مهم این کتاب جامعیت آن است، چراکه در این کتاب آرای حکمای شرق (کنفوسیوس و بودا) و غرب (افلاطون و ارسطو) و نیز قدیم (سقراط و دیوژن) و جدید (کامو و رورتی) و آرای فلاسفه مکاتب متنوعی چون رواقی گری (اپیکتوس)، شکاکیت (سکستوس) و فلسفه اسلامی (ابن سینا) در کنار هم نشستند و گنجینه آرای موجود در باب مسئله معنای زندگی را غنی تر کرده اند. از این ها گذشته، پی نوشت کتاب گزارش تاریخی عالمانه ای درباره تاریخچه تعبیر «معنای زندگی» دارد. این مجموعه نوشته ای کم نظیر و درخشان

است درباره گفت وگوی بزرگ ترین

فیلسوفان اروپایی، هندی، چینی و البته مسلمان درباره پرسش معنای زندگی.»



### معنای زندگی از دیدگاه فلاسفه بزرگ

ویراسته: استیون لیج، جیمز

تارتا کلیا

مترجم: صبا ثابتی

ناشر: ققنوس

۵۶۰ صفحه

۴۸۰ هزار تومان

### سفر درمانی با آن دو باتن

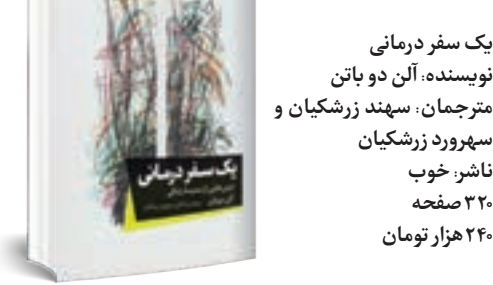
کتاب «یک سفر درمانی» با زیر عنوان «درس هایی از مدرسه زندگی» اثر آن دو باتن، فیلسوف و نویسنده سرشناس سوئسی، مجموعه ای از مقالات و تأملات او درباره مسائل روزمره زندگی و چگونگی به کار بستن بینش های فلسفی و روان شناختی در مواجهه با آن مسائل است.

دو باتن در این کتاب، با نثری طنزآمیز و آموزنده، به موضوع هایی چون عشق، کار، سفر، تکنولوژی، خودشناسی و معنای زندگی می پردازد. هر فصل کتاب به یکی از این موضوع ها اختصاص دارد و شامل مجموعه ای از مقالات کوتاه و تأمل برانگیز است. برای مثال، در فصل مربوط به عشق، نویسنده به بررسی کلیشه های رایج درباره عشق رمانتیک می پردازد و ایده های جایگزینی برای درک واقع بینانه تر از رابطه زوجین ارائه می دهد. یا در بخش مربوط به کار، ضمن نقد فرهنگ معاصر کار و موفقیت، بر اهمیت یافتن معنا و رضایت درونی در حرفه تأکید می کند.

شیوه استدلال دو باتن اغلب از این قرار است که ابتدا تصورات و عادت های ذهنی رایج ما را به چالش می کشد، سپس با استفاده از آموزه های فلاسفه و متفکران بزرگ، راه حل هایی عملی و دیدگاه هایی بدیل پیشنهاد می کند. هدف او کمک به خواننده برای رهایی از قید الگوهای فکری محدودکننده و دستیابی به زندگی معنادارتر است.

از دیگر ویژگی های این کتاب، لحن صمیمی و توأم با همدلی نویسنده است. دو باتن با استفاده از تجربیات و مثال های شخصی، ارتباطی نزدیک و انسانی با خواننده برقرار می کند. «یک سفر درمانی» کتابی است که دغدغه های بنیادین انسان مدرن را با نگاهی فلسفی، اما عمیقا کاربردی کند و کاو می کند.

خواندن آن به همه کسانی که در پی شناخت ژرف تر خویشتن و دستیابی به حکمت زندگی هستند، توصیه می شود.



یک سفر درمانی

نویسنده: آن دو باتن

مترجمان: سهند زرشکیان و

سهرورد زرشکیان

ناشر: خوب

۳۲۰ صفحه

۲۴۰ هزار تومان

### نویسنده: غلام حسین زرین کوپ - ترجمه: محمد قاضی - تصحیح: جلال خالقی مطلق

ویراسته

تألیف غلام حسین زرین کوپ-ترجمه محمد قاضی -تصحیح جلال خالقی مطلق

نکته

اگر روی جلد کتاب یا پایان نامه از کلمه های «تألیف»، «نوشته»، «ترجمه» و «تصحیح» استفاده شود، نیازی به نشانه د و نقطه نیست.

#زرین-قندی-فارسی

## شهریار



۱۰

فرهنگ و ادبیات

مریم محبی

### گزارش خبری

تفکیک فضای مجازی و به بیان دقیق تر شبکه های اجتماعی، از ادبیات و همه متعلقاش، در دوره و زمانه کنونی به نظر چندان ممکن نیست. روزگاری که اگر بخواهیم کتاب بخوانیم یا گوش بدهیم به آن متوسل می شویم. اگر بخواهیم گپ‌بزنیم و سخنی بگوییم، می‌توانیم علاوه بر گفت‌وگو و تماس شفاهی به چت و تایپ کردن روی بیابوریم. یا اگر به دنبال آموزش و کسب اطلاعات در یکی از زمینه های ادبی باشیم، می‌توانیم به منابع فراوانی که به وسیله کارشناسان و متخصصان فراهم شده است رجوع کنیم یا دست‌کم مقدمات آشنایی یا بهره بردن حضوری آن را فراهم کنیم و اصلا هم تفاوتی نمی‌کند از کدام نقطه دنیا می‌خواهیم به کدام نقطه دیگر در سراسر این هستی متصل شویم. به همه این ها اضافه کنید وقت‌گذراندن و چرخیدن در شبکه های اجتماعی که تولید محتوای ادبی دارد و با بریده های کتاب و تک بیت هایی ناب یا اشعار جعلی و مطالب غیرموضوع، برای یک گشت وگذار ادبی به ما خوراک می‌دهد و این میان، چه بحث‌ها که بر سر نگارش صحیح و دستور زبان فارسی و املاى واژگان و درست یا نادرست بودن آن‌ها نیز صورت می‌گیرد. واقعیت این‌است که زبان و ادبیات فارسی به شدت با شبکه های اجتماعی آمیخته شده است و این آمیزش، هم می‌تواند بستری باشد برای بهره بردن و شناساندن زبان و ادبیات فارسی، و هم می‌تواند محلی باشد که به این میراث گرانبها ضربه های مهلکی وارد می‌کند. اینکه نقش شبکه های اجتماعی در توسعه و فراگیری ادبیات چیست، دغدغه ای است که ما برآی صحبت پیرامون آن به سراغ سه تن از اهالی ادبیات شهر و کشورمان رفتیم. حمزه خوشبخت، نویسنده و قصه‌گوی اهل جنوب، عمار کاریزی و علی سمرقندی، از شاعران جوان شهرمان که هم با ادبیات دمخوردند و هم به فراخور مسیر ادبی که در پیش گرفته‌اند از شبکه های اجتماعی استفاده می‌کنند.

● ادبیات باید بتوانند نقش گفت‌وگومحور خود را ایفا کند

حمزه خوشبخت را با سفر وقصه هایش می‌شناسیم. او هر کجا پا می‌گذارد کوله بار کتاب‌ها و قصه هایش را برای کوچک و بزرگ می‌گشاید و هم

داستان می‌خواند و هم کتاب معرفی می‌کند. حمزه از طریق صفحه شخصی اش در اینستاگرام زمان و مکان اجرای برنامه هایش را برای مخاطبانش به اشتراک می‌گذارد و در همین اثنا با مخاطبانش گفت‌وگو می‌کند. او که در گذر از سرزمین قصه ها بارها به مشهد آمده درباره کارکرد شبکه های اجتماعی در ادبیات به ما می‌گوید: «باید قبل از هرچیز به یک مسئله مهم توجه کنیم؛ به ادبیات و نقش آن در زیستن آدم‌ها. ادبیات چه کاری انجام می‌دهد؟ یک گفت‌وگوی بدون قضاوت را پیشنهاد می‌کند. انگار صدایی است برای زیستن، نکته ای که البته مستلزم این‌است که همه بتوانند حرف بزنند.

چیزی که به ذات دعوت به گفت‌وگو می‌کند، اگر یک طرف‌ان طردشود، کنار گذاشته‌شود یا به آن اجازه صحبت داده نشود، از ذات و ماهیت نقش آفرین خود بیرون می‌رود. پس در ابتدا باید ادبیات را به ماهیت خود برگردانیم. مثلا وقتی از داستان نویسی حرف می‌زنیم از چه گونه و جنس ادبیات داریم صحبت می‌کنیم؟ داستان نویسی

یعنی کشف و نشان دادن آدمی و آدمی را به این جهان اضافه کردن. باید این نقش را به ادبیات بازگردانیم. به این معنا که باید آگاه باشیم وقتی از ادبیات صحبت می‌کنیم یعنی داریم از یک شیوه‌گفت‌وگو و حضورا اجتماعی حرف می‌زنیم. این اولین مسئله است، یعنی ادبیات بتوانند نقش گفت‌وگومحور خود را که ذات اوست ایفا کند. بدون هرگونه قضاوت های بیرونی و جرح و تعدیل و فیچی کردن.»

● شبکه‌های اجتماعی، پلی برای گفت‌وگوی بدون قضاوت

اما شبکه‌های اجتماعی کجای قصه‌است؟ حمزه خوشبخت می‌گوید: «بعد از درک این نکته می‌توانیم به کارکرد چیزی به اسم شبکه‌های اجتماعی برگردیم. شبکه‌هایی در فضای مجازی که انگار دعوتی است به فضای واقعی. بنابر این، نقش شبکه های اجتماعی در گسترش ادبیات این‌گونه تعریف می‌شود که باید پلی باشد برای گفت‌وگو در جهانی واقعی و درک گفت‌وگوی بدون قضاوت. این شبکه‌ها می‌توانند ما را در جهان واقعی به کتاب‌ها وصل کنند. لازمه این اتفاق چیست؟ به روز بودن، همپای تحولات پیش رفتن، شناخت وضعیت اجتماعی و آدم‌ها و گفت‌وگوهایشان. اگر چنین‌شود، می‌توانیم به نقش شبکه‌های اجتماعی پی ببریم. ابزاری که در پیشروی به سمت یک گفت‌وگوی بدون قضاوت، بدون تعیین جنسیت و شناسنامه، یعنی چیزی که ذات ادبیات است، بسیار مهم و تأثیرگذار است.»

● داستان زیرنویس بدون غلط آن فیلم!

عمار کاریزی، شاعر جوان مشهدی است که یکی از راه‌های ارتباطش با مخاطبان، صفحه شخصی اش در اینستاگرام است. جایی که گاهی سروده های قدیم و جدیدش را در آن به اشتراک می‌گذارد و گاهی ویدئوکلیپ های کوتاه یا خوانش های مختلف از سروده هایی که مخاطبانش برای او ارسال کرده‌اند. او که شعر و زندگی اش به هم آمیخته شده است، هرگاه پای تخته و سر کلاس درس نیز حاضر می‌شود تا برای دانشجویانش از برق و الکترونیک بگوید. همان اول کار یک بیت شعر روی تخته می‌نویسد و چند دقیقه برایش توضیح می‌دهد و در همین اثنا، باز گریزی می‌زند به چند بیت دیگر تا بعد با خیال راحت برود سراغ اصل مطلب. این شاعر و استاد دانشگاه که تا کنون اشعارش را در سه مجموعه شعر با عنوان های «لکنت»، «محرمانه» و «میخانه‌فا» منتشر کرده است، برای گفتن تجربه خود در این باره، چند خاطره کوتاه برایشان نقل می‌کند و در انتها یک نتیجه‌گیری هم می‌کند: «یک، چندی پیش صدایشه عزیز ی یکی از شعرهای مرا دکلمه کرده بود و برای آن ویدئویی ساخته بود که در آن، قسمتی از املاى شعر مرا به سهوا اشتباه نگاشته بود. اگر بخواهم دقیق تر بگویم واژه «مرهم» را به شکل «مرح» نوشته و منتشر کرده بود. دو؛ در کانال رسمی یکی از دانشگاه‌هایی



نظر چند تن از اهالی ادبیات درباره نقش شبکه های اجتماعی در توسعه و فراگیری ادبیات

که در آن تدریس می‌کنم، اطلاعیه ای منتشر شده بود که فقط در یک پاراگراف آن سه اشتباه فاحش دیده می‌شد، مثلاً واژه «توجیه» را «توجیح» و واژه «قالب» را «غالب» نگاشته بودند و از نظر دستوری هم مفعول جمله را دو بار آورده بودند. سه؛ در کلاس های درس به افتضای شرایط شعرهایی می‌خوانم و شاگردان هم گاهی شعرهایی می‌خوانند.

به راحتی می‌توان فهمید اغلب شعرهایی که دانشجویان و دانش آموزان می‌خوانند شعرهایی است که در ویدئوهای فضای مجازی همه‌گیر شده است. چهار؛ شبی در کنار دوستان فیلمی خارجی را از وب سایتی که اتفاقاً بدون مجوز هم فعالیت می‌کند دانلود کردیم تا به اتفاق آن را ببینیم.

از قضا زیرنویس فیلم کاملاً صحیح و بدون اشتباه نوشته شده بود. حتی نیم فاصله‌ها و نکات ریز نگارشی هم در آن زیرنویس رعایت شده بود. آن قدر ذوق زده بودم که در طول فیلم بارها به دوستانم گفتم: «چه زیرنویس خوبی!»

او در انتهای صحبت هایش می‌گوید: «بعد از آن شب تا مدت‌ها به این فکر می‌کردم که چه خوب می‌شد اگر همه دوستانی که در فضای مجازی فعالیت می‌کنند و افرادی که زیرنویس فیلم‌ها را می‌نویسند، به وسیله نهاد یا سازمانی آموزش ببینند، یا حداقل آن صفحه‌هایی که مخاطب زیادی دارند شناسایی شوند و آموزش ببینند. این قبیل کارها برای نهاد های دولتی با آن همه عرض و طول و عمق و ارتفاع کار سختی نیست.»

مرور کتاب «حمله به سفسطه»

# استدلال ورزی بدون مغالطه چگونه است؟

واقعی و تمرین های مختلف کتاب. اینجا، بیش از هر جایی نمود دارند. دامر، در مقام استاد دانشگاه، در نهایت، فصلی هم در «نگارش مقاله استدلالی» نوشته است.

● حمله به سفسطه: استدلال ورزی بدون مغالطه» را شاپور پشآبادی به فارسی برگردانده و نشر «خوب» در ۳۰۴ صفحه و به قیمت ۲۶۹ هزار تومان چاپ و منتشر کرده است. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «در حالت ایدئال، بیشتر ما می‌خواهیم صرفاً قاعده درست را حفظ کنیم؛ اما نیل به این هدف هزینه خاص خود را دارد؛ تمایل به بررسی همه عقاید موجود و استدلال های حامی آن‌ها. در غیر این صورت، چه بسا حقیقت را کاملاً از دست بدهیم. البته مشکل اینجااست که بیشتر ما می‌خواهیم حقیقت همانی باشد که ما حقیقت می‌دانیم؛ می‌خواهیم حتی با فریبکاری هم که شده پیروز باشیم. مثلاً، شاید معتقد باشیم کامیون های تیوتا بهترین کامیون های بازارند، اما صادقانه نیست که قبل از بررسی پی طرفانه عملکرد و آمار تعمیرات کامیون های دیگر چنین ادعایی کنیم. حقیقت جوانان واقعی نمی‌خواهند به قیمت نادیده گرفتن یا انکار، شواهد مخالف مواضع خود پیروز شوند. پیروزی واقعی یعنی یافتن موضعی که محصول رعایت قواعد بازی باشد.»

● شبکه های اجتماعی فضای نقد اثر ادبی و ارتقای آن را فراهم کرده است

علی سمرقندی، از شاعران دهه هشتادی شهرمان که مدت هاست با شعر و ادبیات دمخور است و تمرکز بیشترش روی شعر انقلاب است، معتقد است

اغلب آدم‌ها دچار فضای مجازی هستند و از آن استفاده می‌کنند و فضای مجازی نقش پررنگی در ارتباط بین آدم‌ها دارد. او می‌گوید می‌توانیم یک نگاه کلی به ادبیات داشته باشیم. اینکه آیا ادبیات هنر است؟ آیا این هنر زبانی است؟ و آیا این هنر زبانی شفاهی است یا مکتوب؟ و ادامه می‌دهد: «فضای مجازی از هر دو جنبه شفاهی و مکتوب بودن ادبیات و ادبیت از آن برخوردار است؛ یعنی هم از منظر تولید محتواهایی که به صورت صوت است و هم آن دسته که به شکل مکتوب یا چت کردن و نوشتن اتفاق می‌افتد.» اما به طور قطع می‌توان به این موضوع به صورت جزئی‌تر نگاه کرد. این شاعر جوان می‌گوید ادبیات حوزه‌های مختلفی چون شعر و داستان و نمایشنامه و ... دارد. همچنین استفاده از کلمه‌ها و چت کردن هادر حوزه‌خود ادبیات قرار می‌گیرد. او که در حوزه شعر و شاعری فعالیت می‌کند و یک کتاب هم با نام «مردگانی» منتشر کرده است، به ما می‌گوید: «درباره شعر و با توجه به اینکه مردم ایران شعر دوست و هنر دوست هستند، فکر می‌کنم کمتر کسی است که عضو یکی از شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های آن نباشد که محتوایش را شعر و متن های ادبی تشکیل می‌دهد. شبکه‌های اجتماعی برای عام و ارتباط برقرار کردن آن‌ها با ادبیات، تولید محتوا می‌کند و به این منظور، از شعر و داستان بهره می‌برد. صفحات مجازی و کانال‌های شاعران و هنرمندان معاصر می‌خواهد مخاطب داشته باشد. درواقع از این طریق می‌خواهد با مخاطب ارتباط برقرار کند و به این نکته پی‌برد که شعرش در سطح جامعه به چه میزان شنیده می‌شود. علاوه بر این، از این طریق ارتباطی بین مخاطب ادبیات با تولیدکننده اثر فراهم می‌شود و فضایی شکل می‌گیرد تا مخاطب اگر نقدی داشته باشد برای صاحب اثر بفرستد و موجب ارتقای اثر شود.»

● مجاری همیشگی هکسره و ابیات و ادبیات جعلی

اما آیا این صحبت‌ها همه آنچه هست که فضای مجازی در اختیار ادبیات قرار می‌دهد؟ سمرقندی می‌گوید هر جا که قله ای وجود دارد، دره ای نیز هست. او درباره نقاط ضعف این ماجرا نیز برای ما می‌گوید: «یکی از آسیب های این اتفاق، ادبیات جعلی است. به عنوان مثال، هستند افرادی که برای دیده شدن متنی که در صفحات و کانال های خود قرار می‌دهند، یک بیت شعر یا متنی می‌نویسد و آن را به یک شاعر یا نویسنده معروف مثل سعدی یا صادق هدایت یا حسین بناهی نسبت می‌دهد. مخاطب حرفه ای ادبیات می‌داند این بیت متعلق به شاعر گذر شده نیست اما مردم به عنوان مخاطب عام ادبیات را دنبال می‌کنند نه تخصصی. نکته منفی دیگر، افول رعایت نگارشی است که در شکل و شمایل مختلف نمود پیدا می‌کند. یک نمونه رایج آن رعایت کردن یانکردن هکسره است و نمونه ای دیگر، اختلاط زبان کتابی با زبان محاوره یا غلط های املا می‌وجود دارد. طرف می‌خواهد بنویسد من و تو اما می‌نویسد من و ظ. این اتفاق ناخودآگاه به ادبیات و زبان فارسی آسیب می‌رساند.»